



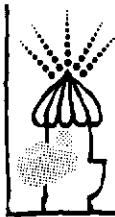
سیاست نامه^۵

امام علی (ع)

محمد رضا سبحانی نیا

است که نمونه مجسم و روشن زندگانی رسول خدا (ص) است. به همین دلیل و نظر به اهمیت این موضوع در بررسی سیره آن امام همام، از مجموعه وزین موسوعه الإمام علی (ع)، جلد چهارم آن که به موضوع سیاست های امام علی (ع) و اصلاحات در جامعه پس از رسول خدا اختصاص دارد، به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته و توسط محقق ارجمند، جناب حجة الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی به زبان فارسی ترجمه شده است. این کتاب، با عنوان سیاست نامه

موسوعه امام علی (ع) که به همت استاد ارجمند، جناب حجة الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری و با همکاری محققان محترم مرکز تحقیقات دارالحدیث تدوین و منتشر است، دائرة المعارف ارزشمندی است که هدف آن، بررسی ابعاد مختلف زندگی آن حضرت و راهیابی به گستره دانش و شخصیت انسان والایی است که الگو و اسوه کاملی برای راهیان کمال و صاحبان بصیرت به شمار می رود. یکی از مهم ترین بخش های زندگی آن حضرت، روش حکومتی و سیاست ایشان



امام علی (ع) در دست انتشار است .

نوشتاری که پیش روی شما قرار دارد، برداشتی است از این اثر گرانسنگ که با توجه به گنجایش محدود یک مقاله می تواند تنها یک معرفی کوتاه برای آن به شمار آید .

* * *

این کتاب، حاوی بیش از ۷۰۰ حدیث یا نقل تاریخی است و شامل یک درآمد و ده فصل است .

در درآمد کتاب، سیاست در دو مکتب علوی و اموی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است و با ارائه تعریفی از سیاست، از سیاستمداری امام علی (ع) دفاع شده است .

در فصل اول، مسئله بیعت با امام علی (ع) و پذیرش حکومت توسط ایشان مطرح می گردد .

پس از رحلت پیامبر (ص)، امام علی (ع) - که منصوص و منصوب پیامبر (ص) بود- جامه عزلت در برکشید و به غارت رفتن میراث رسول الله را به نظاره

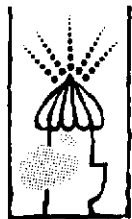
نشست .^۱ امام (ع) اگرچه خود را بر حق می دانست و سعی در گرفتن حق خود داشت؛ لکن زمانی که معلوم شد مسلمانان با ایشان همراه نیستند و زمینه پشتیبانی عمومی از خلافت ایشان وجود ندارد، برای جلوگیری از اختلاف و افتراق بین مسلمانان و اصل اسلام و تعالیم حکومت (ص)، ۲۵ سال سکوت کرد .

بعد از ۲۵ سال، شرایط جدیدی حاکم شده بود و اصحاب رسول الله (ص) و همچنین انقلابیون مصر و بصره و کوفه - که نتیجه دوری از تعلیمات رسول الله را به عیان دیده بودند-، با درخواست قبول خلافت، به ایشان رو کردند؛^۲ اما امام (ع) که می دانست مردم طاعت حکومت خدایی او را ندارند، ابتدا این امر را قبول نمی فرمود و در نهایت، چون از استقبال مردم کاسته نشد، پس از اتمام حجت بر آنها خلافت را پذیرفت و دست در دست بیعت کنندگان گذارد .

۱ . نهج البلاغه، خطبه ۳ .

۲ . همان، نامه ۵۴ و خطبه های ۵۴ و ۹۲ .





اسلامی مطرح است، فاصله زیادی با اسلام و سیره و سنت رسول خدا(ص) دارد، و از سوی دیگر، خوب می دانست که ارائه راه جدید و اصلاح علوی که همان اصلاحات محمدی(ص) است، در شرایط سیاسی جاری با مزاج جامعه سازگار نیست و این مردم، طاقت حکومت خدایی او را ندارند.

امام علی(ع) می دانست که مبارزه با تحریفات، تنش های سیاسی فراوانی را به دنبال خواهد داشت، و اصلاحات عمیق سیاسی و اجتماعی نیازمند سیاستگذاری و برنامه ریزی بسیار دقیق و حساب شده است. از این رو، در برخورد با انحرافات، شتابزده عمل نکرد؛ زیرا برخورد ناگهانی با همه انحرافات که جامعه اسلامی سال ها با آنها خو گرفته بود، به نارضایتی همگان و تفرقه و سست شدن حکومت می انجامید. بدین ترتیب، اصلاحات را به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱- مبارزه با مفاسد اداری و اقتصادی،
- ۲- مبارزه با انحرافات فرهنگی.

اینک حجّت بر خود آن حضرت نیز تمام شده و پدید آوردن حکومت صالحان، ممکن شده بود و او کسی نبود که از زیر بال مسئولیت، شانه خالی کند. پس این مسئولیت خطیر را با هدف زنده کردن سیره و سنت پیامبر اکرم(ص) پذیرفت و با شعار قرار دادن کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) و طرد سیاست های خلفای پیشین، پرچم حکومتی را برافراشت که با چشیدن طعم عدالت ناب، برای همیشه در تاریخ بشر، منحصر به فرد باقی ماند.

فصل دوم به اصلاحات علوی اختصاص دارد.

امام(ع) پس از بیعت مردم و رسیدن به قدرت سیاسی، بلافاصله اصلاحات حکومتی را با شعار عدالت اجتماعی و اقتصادی آغاز کرد. او فلسفه پذیرش حکومت را ایجاد اصلاحات اعلام کرده بود و معتقد بود که در مدتی که از صحنه سیاسی جامعه دور بوده، جامعه اسلامی دگرگون شده و آنچه اکنون به نام حکومت





فصل سوم به سیاست های اداری اختصاص دارد و: صداقت، حق محوری، قانونگرایی، انضباط اداری، شایسته سالاری، تأمین نیازهای کارگزاران، بازرسی عملکرد کارگزاران و نظارت بر آنها، منع قبول هدیه و رشوه و قاطعیت توأم با مدارا، از اصلاحات در نظام اداری امام علی(ع) به شمار می روند.

فصل چهارم برجسته ترین مبانی سیاست های فرهنگی امام(ع) را: توسعه تعلیم و تربیت، تصحیح فرهنگ عمومی، حقگرایی در پیروی از شخصیت ها، آزادی انتقاد و ممنوعیت چاپلوسی و

انتقادهای ویرانگر معرفی می کند.

فصل پنجم، سیاست های اقتصادی است. در این زمینه اساسی ترین پایه های سیاست آن حضرت، عبارت اند از: ترویج فرهنگ کار، توسعه کشاورزی و صنعت و تجارت، نظارت مستقیم بر بازار، سیاست اخذ مالیات، سرعت در توزیع اموال عمومی، محوریت عدالت اجتماعی، حداقل رفاه برای همگان، ممنوعیت

بخشش از اموال عمومی، امتیاز ندادن به نزدیکان و صرفه جویی در هزینه کردن اموال عمومی.

اصول سیاست های اجتماعی که در فصل ششم مورد بحث قرار گرفته، عبارت اند از: عدالت اجتماعی، پاسداری از حقوق مردم، رعایت حقوق متقابل مردم و رهبر، توسعه آزادی های مشروع و سازنده، مهر و شفقت با مردم، حمایت از ستمدیدگان، تأسیس دفتر مراجعات برای رسیدگی مستقیم به مشکلات مردم و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی در جامعه.

در نظام علوی، امر قضا و داوری جایگاه مهمی دارد. اصول سیاست های قضایی امام علی(ع) عبارت اند از: گزینش بهترین ها برای تصدی مسند قضا، تأمین نیازهای مادی قضات، تأمین امنیت شغلی قضات، رعایت آداب قضا (مخصوصاً عدالت)، نظارت دقیق بر عملکرد داوران، وحدت رویه قضائی، تساوی همگان در برابر قانون، و در نظر





جنگ، و خوش رفتاری با بازماندگان دشمن (پس از جنگ).

آخرین فصل کتاب را سیاست های بین المللی و جهانی امام علی (ع) تشکیل می دهد. عناوین این بخش از کتاب، عبارت اند از: سیاست هایی که ضامن بقا و دوام دولت ها هستند، سیاست هایی که به سقوط دولت ها می انجامند، و سیاست هایی که در ارتباطات بین المللی کارآیی دارند.

*

از ویژگی های این اثر، پرداختن به پرسش های موجود در عرصه سیاستمداری امام علی (ع) است و سؤال هایی از این دست را پاسخ می دهد:

- ۱- چرا امام علی با معاویه بیعت نکرد تا حکومتش اقتدار یابد و آنگاه او را عزل کند؟
- ۲- چرا امام علی با روش مردمداری و سیره عادلانه اش تنها ماند؟

داشتن مصالح نظام اسلامی در صدور حکم. اینها محورهای عمده فصل هفتم به شمار می رود.

فصل هشتم به سیاست های امنیتی امام علی (ع) اشاره دارد و یکی از دلایل پذیرفتن حکومت را از جانب خویش، اقدام به اصلاحات امنیتی ذکر می کند. پایه های سیاست های امنیتی امام، عبارت اند از: تاسیس نظام اطلاعاتی کارآمد، تشنج زدایی، هشیاری و زمان شناسی، قانونگرایی در برخورد با مجرمان، و مدارا با مخالفان سیاسی (غیر توطئه گر).

فصل نهم به سیاست های نظام-دفاعی امام علی (ع) اختصاص دارد. در حوزه فعالیت های نظامی، اموری که بیشتر مد نظر امام (ع) بودند، عبارت اند از: اهتمام به آموزش های رزمی و سازماندهی سپاه، تشکیل نیروی مخصوص، تقویت بنیه معنوی رزمندگان، تدبیر و زیرکی در جنگ، رعایت اخلاق در جنگ، آغازگر نبودن در جنگ، مصون دانستن فرستادگان دشمن، اقامه حجّت قبل از شروع

